

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نردوی دست برکات

دوره‌ی دوم - سال یازدهم - سال تحصیلی ۹۴-۹۳

جلسه ۱۰۴ - سه‌شنبه ۱۴/۳/۹۴

جریان استصحاب در اقسام مختلف احکام وضعیه

آیا در سه قسم احکام وضعیه‌ی مذکور در کلام آخوند^{علیه السلام} استصحاب جاری است؟ طبق آنچه مشی نمودیم هر سه قسم حکم وضعی دارای جعل اعتباری است، لذا می‌توانیم در هر سه استصحاب را جاری نماییم؛ زیرا به ید جاعل و معتبر است و از حیث اینکه حکم وضعی هستند مشکلی وجود ندارد. اما همان‌گونه که اجرای استصحاب در هر جایی منوط به تحقق شرایطش می‌باشد در این موارد نیز باید شرایط جریان استصحاب موجود باشد؛ مثلاً در سبب و شرط تکلیف یا مانع و رافع تکلیف که مجعول هستند اگر در جایی احتمال دهیم مجعول استقلالی هستند می‌توانیم استصحاب عدم جعل را جاری سازیم و مثلاً بگوییم سببیت جعل نشده است یا اگر شک نمودیم که آیا سببیت آن همچنان در طول زمان باقی است، می‌توانیم استصحاب بقاء سببیت را جاری سازیم.

مثلاً اگر شک کنیم که استطاعت (سبب و وجوب حج) مختص به زمان خاص است یا ادامه دارد، می‌توانیم بگوییم در این زمان نیز استطاعت همچنان سببیت دارد و اگر شک کردیم که آیا اصل سببیت برای چیزی جعل شده است یا خیر، استصحاب عدم جعل را جاری می‌کنیم و در نتیجه روشن می‌شود که تکلیف مربوط به آن وجود ندارد؛ زیرا فرض آن است که سببیت آن شرعی است نه عقلی.

آری، این استصحاب‌ها ممکن است در برخی موارد مثبت باشند؛ مثلاً شک می‌کنیم که آیا اگر کسی نقص عضو پیدا کرد باعث رفع تکلیف از او می‌شود یا خیر؟ استصحاب عدم جعل رافعیت آن برای تکلیف جاری می‌شود، ولی با این استصحاب نمی‌توان اثبات کرد که پس تکلیفی وجود دارد؛ زیرا این استصحاب ثابت نمود که نقص عضو رافع نیست ولی لازمه‌ی عقلی خود را ثابت نمی‌کند. بلی اگر اطلاقی وجود

داشت که حتی در صورت نقص عضو، اثبات تکلیف می‌کرد حکم به ثبوت تکلیف می‌شد، اما نه از باب استصحاب بلکه از باب تمسک به اطلاق خود آن دلیل و لذا نیازی به چنین استصحابی نمی‌باشد.

آری، در یک مورد می‌توان گفت هرچند دلیل اطلاق ندارد و در رافع شک وجود دارد، استصحاب عدم جعل رافع جاری می‌شود، ولی در عین حال باید استصحاب تکلیف نیز جاری کرد و البته در اینجا نیز اثبات تکلیف با استصحاب عدم رافع، محقق نمی‌شود بلکه به کمک استصحاب تکلیف، اثبات تکلیف می‌شود.

همچنین اگر در مورد سبب و شرط تکلیف احتمال جعل تبعی بدهیم می‌توانیم در منشأ انتزاع آن استصحاب جاری نماییم؛ مثلاً شارع فرموده است: «حَجَّ عِنْدَ الْاِسْتِطَاعَةِ» و نمی‌دانیم شرطیت و سببیت انتزاعیه در طول زمان باقی است یا خیر؟ می‌گوییم تا دیروز حج عند الاستطاعة وجود داشت و شک داریم باقی است یا خیر، استصحاب بقاء آن را جاری می‌کنیم؛ زیرا حکم تبعی منوط به بقاء منشأ انتزاع آن است و با بقاء آن، حکم تبعی آن نیز باقی است و نیازی به استصحاب خود سببیت وجود ندارد؛ زیرا یا سببیت امری عقلی است که استصحاب در آن جاری نیست یا چون مسبب است با جریان استصحاب در سبب، نوبت به استصحاب در مسبب نمی‌رسد.

جریان استصحاب در قسم دوم احکام وضعیه

اما جریان استصحاب در قسم دوم یعنی جزئیت، شرطیت، مانعیت و قاطعیت نسبت به مکلف به، نیز همانند قسم اول است؛ یعنی اگر احتمال جعل استقلالی بدهیم استصحاب عدم جعل آن جاری می‌شود. مثلاً شک داریم شارع برای فلان شیء مستقلاً جعل جزئیت نموده است یا خیر؟ استصحاب عدم جعل جاری می‌شود. یا اگر قبلاً جزئیت داشته است و شک داریم آیا باقی است یا خیر، استصحاب بقاء جزئیت آن جاری است. کما اینکه اگر احتمال جعل تبعی بدهیم باز استصحاب عدم جعل جاری می‌شود؛ مثلاً می‌گوییم قبلاً امری به این مرکب تعلق نگرفته بود و بخشی از مرکب قطعاً تحت امر رفته است و شک داریم آیا جزء یازدهم تبعاً مجعول شده است یا خیر؟ استصحاب عدم گسترش امر نسبت به جزء یا شرط مذکور جاری می‌شود، گرچه این در حقیقت اجرای استصحاب در منشأ جزئیت است؛ چنان‌که در بحث برائت در جزء و شرط به تفصیل در این باره بحث شد.

جریان استصحاب در قسم سوم احکام وضعیه

آنچه در قسم سوم از احکام وضعیه اختیار نمودیم آن بود که امثال زوجیت، ملکیت و... مجعول بالاستقلال هستند، لذا شکی نیست که استصحاب در آن‌ها جاری می‌شود؛ یعنی اگر حالت سابقه‌ی عدمی

داشته باشد استصحاب عدم آن جاری است و اگر حالت سابقه‌ی آن وجودی باشد استصحاب وجودی جاری می‌شود و بیان کردیم تعارض جعل و مجعول نیز در این مورد جایی ندارد. لذا مثلاً استصحاب ملکیت، زوجیت، رقیت و ... جاری می‌شود و معارض به استصحاب عدم جعل نیست؛ خصوصاً در ما نحن فیه که مقصود، استصحاب اصل حکم انشائی است که با مجعول انشائی ذاتاً متحدند.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی